

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست مطالب

- ملت‌سازی و دگرگونی هویتی زنان در دوران شوروی (۱۹۱۷-۱۹۹۱) و پسا شوروی (۱۹۹۱-۲۰۲۲): مطالعه موردی قزاقستان  
طیبه قلیپوری / الهه کولایی ..... ۳
- همکاری روسیه با جریان راست تندروی اروپا از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۴: مطالعه موردی آلمان، ایتالیا و فرانسه  
مهدی نوری چورتی / مهدی سنایی ..... ۳۳
- جنگ اتصال: نقش بنادر کوچک در کریدورهای بین‌المللی با تکیه بر توسعه بنادر آکتائو و کوریک حبیب‌الله ملکوتی فر ..... ۶۱
- معمای امنیت روسیه در نوردیک-بالتیک  
رضارحمتی ..... ۹۵
- اهداف کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قفقاز جنوبی در افق ۲۰۳۵  
اسماعیل بابایی / مجید عباسی ..... ۱۱۷
- افغانستان و خط لوله تاپی: بررسی دینامیسم ژئوپلیتیک  
شکیلا حسینی / مهدی هدایتی شهیدانی ..... ۱۴۵
- مسئله‌شناسی قوم تالش جمهوری آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی  
کوثر طالشی / دارا جلیل ..... ۱۷۱
- بررسی رویکرد ترکیه در مناقشه قره‌باغ  
محمدرضا شالباف / اردشیر سنایی ..... ۱۹۱
- رویکرد آبی طالبان: تأثیر پروژه قوش‌تپه بر تعارض و همکاری منطقه‌ای  
جواد خادم‌زاده ..... ۲۱۹
- خرد و دانش در نصیحت‌نامه آبی: از بستر هویت قزاق‌ها تا فضای فکری آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی  
فهمیه شکیبا ..... ۲۴۳

## افغانستان و خط لوله تاپی: بررسی دینامیسم ژئوپلیتیک

شکیلا حسینی<sup>۱</sup>

مهدی هدایتی شهیدانی<sup>۲</sup>

### چکیده

پروژه خط لوله گاز ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند (تاپی) به عنوان یکی از ابتکارات ژئواکونومیک در آسیای مرکزی و جنوبی، پتانسیل تأثیرگذاری بر معادلات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای را دارد. پژوهش حاضر درصدد بررسی ظرفیت‌ها و موانع ژئوپلیتیکی فراروی افغانستان در روند تحقق پروژه تاپی است. فرضیه تحقیق بر این مبنا است که پروژه تاپی از یک سو می‌تواند منافع مهمی چون بهره‌مندی از درآمد ترانزیت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد اشتغال، تقویت پیوندهای اقتصادی با کشورهای همسایه و ارتقاء نقش ژئوپلی‌نومیک افغانستان را به همراه داشته باشد؛ و در سوی دیگر با چالش‌هایی نظیر ناامنی در مسیر پروژه، نبود زیرساخت‌های فنی و نهادی کافی، ساختار سیاسی مبهم و غیر کارآمد طالبان، رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین تردید در ظرفیت گازی ترکمنستان، روبرو است. این تحقیق با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و دیجیتال معتبر انجام شده است.

### ▪ واژگان کلیدی:

خط لوله تاپی، گاز طبیعی، افغانستان، ژئوپلی‌نومیک، آسیای مرکزی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، گیلان، جمهوری اسلامی ایران.  
shakilahussaini1993@gmail.com

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول و دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، گیلان، جمهوری اسلامی ایران.  
mehdi.hedayati88@gmail.com

## مقدمه

پروژه خط لوله انتقال گاز تاپی که نزد برخی از تحلیلگران به خط لوله «ترانس افغان»<sup>۱</sup> نیز معروف است، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ترانزیتی - لجستیکی گاز در منطقه اوراسیا است که با اجرایی شدن آن، افغانستان به یک قطب اقتصادی مهم منطقه تبدیل خواهد شد. خط لوله گاز تاپی مخفف ابتدای حروف لاتین از اسامی کشورهای ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند است که به منظور انتقال گاز طبیعی از منطقه آسیای مرکزی (با حجمی از مازاد انرژی) به حوزه آسیای جنوبی (با مشکلاتی از کمبود انرژی) و در مسیری از جهت‌گیری شمال به جنوب طرح‌ریزی شده است.

طبق پلتفرم برنامه‌ریزی شده منطبق بر پروژه تاپی، کشور ترکمنستان گاز طبیعی خود را از گالکینیش یکی از میدان‌های بزرگ جهان (براساس برخی از برآوردها) و از طریق خط لوله‌ای با قطر ۵۶ اینچ به سمت افغانستان، پاکستان و هند روانه خواهد کرد. در مسیر برنامه‌ریزی شده این خط لوله در کشور افغانستان، تاپی از ولایت هرات، فراه، نیمروز، هلمند و قندهار می‌گذرد. خط لوله تاپی ۱۸۱۴ کیلومتر طول داشته که از این میزان، ۲۱۴ کیلومتر در ترکمنستان، ۷۷۴ کیلومتر در افغانستان و ۸۲۶ کیلومتر در پاکستان است که تا منطقه فاضلکا<sup>۲</sup> در مرز هند امتداد دارد. شایان‌ذکر است که ترکمنستان برای کاهش وابستگی خود به جریان فروش گاز به کشورهای روسیه و چین، پروژه ساخت‌وساز به ارزش ۱۰ میلیارد دلار را آغاز کرد. این پروژه که برای ۳۰ سال در نظر گرفته شده است در سال ۲۰۱۵ و با همکاری بانک توسعه آسیایی آغاز شد. پروژه مذکور سالانه ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز تأمین می‌کند که از این میزان، ۵ میلیارد مترمکعب به سمت افغانستان، ۱۴ میلیارد مترمکعب به پاکستان و ۱۴ میلیارد مترمکعب آن به هند می‌رسد (Saira & Javed, 2022:14). در صورت عملیاتی شدن خط لوله گاز تاپی، انتظار می‌رود که افغانستان سالانه نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار حق ترانزیت و نیز سالانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز دریافت کند که از نظر گازرسانی به مناطق شهری و روستایی و نیز مراکز صنعتی و تولیدی در مناطق پرجمعیت و مهم هرات، هلمند و قندهار از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (کالچی، ۱۴۰۳: ۱).

در آغاز این پروژه، اخبار بسیار نویدبخشی در خصوص مزایای قابل توجه این طرح برای ترکمنستان و بخش سوخت و انرژی آن منتشر می‌شد؛ بخشی که بیش از ۸۰ درصد بودجه دولتی این کشور را تأمین می‌کند. از سوی دیگر این پروژه برای پاکستان و در ادامه برای

<sup>۱</sup>. Trans Afghan

<sup>۲</sup>. Fazilka

هند نیز بسیار جذاب بود؛ کشورهایی که به سبب رشد فزاینده اقتصاد ملی خود، نیاز روزافزونی به منابع انرژی داشتند، در حالی که خود با کمبود منابع انرژی روبه‌رو هستند. اجرای پروژه خط لوله گاز تاپی می‌توانست به طور چشمگیری وابستگی ترکمنستان به چین را کاهش دهد؛ کشوری که در حال حاضر اصلی‌ترین واردکننده گاز ترکمنستان است و باتوجه‌به موقعیت انحصاری خود در مقام خریدار، معمولاً قیمت گاز را پایین‌تر از سطح بازار تعیین می‌کند (Singh, 2023:4). در این میان موقعیت جغرافیایی افغانستان در نقشه منطقه‌ای، ظرفیت بالای ترانزیتی این کشور را رقم زده است؛ ظرفیتی که باتوجه‌به کمبود منابع مالی دولت، می‌تواند به منبع مهمی برای تأمین درآمدهای دولتی تبدیل شود. باین‌حال، در مسیر طراحی و اجرای عملی این پروژه جاه‌طلبانه، موانع متعددی با ماهیت غیرقابل‌پیش‌بینی و خارج از کنترل به وجود آمد که در ابتدا موجب تعلیق پروژه شد و پس از آن نیز روند اجرایی آن را به طور مداوم کند ساخت.

موضوع اصلی این پژوهش، بررسی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی است که بر سر راه اجرای ابتکار تاپی قرار دارند؛ همچنین تحلیل فرصت‌هایی که این پروژه برای افغانستان، به‌عنوان آسیب‌پذیرترین عضو مشارکت‌کننده، از منظر توسعه اقتصادی، اجتماعی و امنیتی فراهم می‌آورد. محدودسازی زمانی این مطالعه به دوران پس از سال ۲۰۲۱، پیش از هر چیز ناشی از تغییر رژیم سیاسی در افغانستان و دگرگونی‌های بنیادین در روندهای توسعه داخلی این کشور است؛ تحولاتی که تأثیر مستقیم بر سرنوشت پروژه تاپی دارند. براین‌اساس، پرسش اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که پروژه تاپی چه فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی را برای افغانستان به همراه دارد؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش چنین بیان می‌شود که پروژه تاپی از یک سو می‌تواند فرصت‌هایی همچون کسب درآمد از محل حق ترانزیت، ایجاد اشتغال، دریافت عواید اقتصادی و نیز ارتقاء همگرایی میان افغانستان و کشورهای جنوب غرب آسیا به همراه داشته باشد و از سوی دیگر با چالش‌هایی چون فقدان ظرفیت لازم برای جذب سرمایه‌گذاری در احداث خطوط لوله، ابهام در ظرفیت‌گذاری ترکمنستان، ناامنی در مسیر خط لوله، ساختار سیاسی حکومت طالبان و همچنین رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در ارتباط با این پروژه روبه‌روست. این پژوهش بر اساس رویکرد توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش کیفی است که در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است.

## پیشینه تحقیق

خط لوله تاپی به دلیل پتانسیل بالایی که در تغییر پویایی‌های ژئوپلیتیک<sup>۱</sup> آسیای جنوبی و مرکزی دارد، موضوعی مهم در مطالعات دانشگاهی محسوب می‌شود. این پروژه توجه پژوهشگران را به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون تأثیرات اقتصادی، چالش‌های امنیتی و تحولات ژئوپلیتیک جلب کرده است. ادبیات موجود در این زمینه را می‌توان بر اساس همین محورهای کلیدی دسته‌بندی کرد و بررسی پیشینه پژوهش هم نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به تحلیل نقش تاپی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته‌اند.

پوپال و همکارانش در تحقیقی با عنوان «پروژه‌های زیربنایی افغانستان - ترکمنستان و هند و روابط اقتصادی/فرامرزی<sup>۲</sup>» از اهمیت خط لوله تاپی و پتانسیل آن برای کمک به توسعه اقتصادی در افغانستان و منطقه متمرکز شده‌اند و معتقدند که اگر افغانستان از عوارض ترانزیت و ایجاد اشتغال مرتبط با خط لوله بهره‌مند شود می‌تواند درآمد بسیار مورد نیاز را برای کشوری که به‌شدت به کمک‌های خارجی وابسته است، فراهم کند (Popal et al, 2024).

رحمانی در پژوهش خود با عنوان «پیامدهای ژئوپلیتیکی خط لوله تاپی برای ثبات منطقه‌ای در افغانستان<sup>۳</sup>» به چالش‌های امنیتی قابل توجهی اشاره می‌کند که پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه از مزایای تاپی را تضعیف می‌کند. وی به‌عنوان مثال معتقد است که وضعیت امنیتی در افغانستان همچنان مانع بزرگی بر سر راه ساخت و بهره‌برداری از خط لوله به‌ویژه در مناطقی که تحت نفوذ داعش خراسان<sup>۴</sup> هستند، است و ناامنی در استان‌هایی مانند هلمند و قندهار که خط لوله باید از آن‌ها عبور کند، این پروژه را در معرض حملات گروه‌های شورشی قرار داده است (Rahmany, 2024 Bazarov, 2022).

بازاروف نیز در رویکردی مشابه در تحقیقش با عنوان «بی‌طرفی ترکمنستان و پیامدهای آن برای امنیت منطقه‌ای<sup>۵</sup>» به تحت‌تأثیر قرار گرفتن فرایندهای اقتصادی افغانستان از ریسک‌های ژئوپلیتیکی همچون رویکردهای سیاست خارجی کشورهای همسایه‌اش ترکمنستان سخن به میان آورده است.

ممتاز و همکارانش نیز در مطالعه تحقیقی خود با عنوان «روابط پاکستان و ترکمنستان: مطالعه موردی پروژه خط لوله گاز (تاپی)<sup>۶</sup>» در مورد خطوط لوله تاپی و نقش آن در رقابت

<sup>1</sup>. Geopolitical Dynamics

<sup>2</sup>. Afghanistan-Turkmenistan and India Infrastructure Projects and Cross-Border Economic Relations

<sup>3</sup>. The Geopolitical Implications of the TAPI Pipeline for Regional Stability in Afghanistan

<sup>4</sup>. ISIS Khorasan

<sup>5</sup>. Turkmenistan's Neutrality and Its Implications for Regional Security

<sup>6</sup>. Pakistan - Turkmenistan Relations: A Case Study of (TAPI) Gas Pipeline Project

بین هند و پاکستان متمرکز بودند. به اعتقاد آنان این خط لوله، با اتصال اقتصادهای این دو همسایه دارای سلاح هسته‌ای، پتانسیل کاهش یا تشدید تنش‌ها را دارد. به طوری که تاپی می‌تواند وابستگی‌های متقابلی ایجاد کند که گفتگو و همکاری را به‌ویژه در بخش انرژی که هر دو کشور نیازهای حیاتی دارند، تشویق می‌کند. از سوی دیگر پاکستان ممکن است مشارکت هند در این پروژه را به‌عنوان تهدیدی برای منافع استراتژیک خود در افغانستان به‌ویژه با توجه به تمایل پاکستان برای حفظ "عمق استراتژیک"<sup>۱</sup> در همسایه غربی خود تلقی کند (Mumtaz et al, 2024).

بهبودی‌نژاد با پژوهشی تحت عنوان «سیاست خطوط لوله در آسیای مرکزی؛ منافع و انتخاب‌های ایران» معتقد است که دخالت قدرت‌های خارجی در پروژه خط لوله تاپی، محاسبات ژئوپلیتیک منطقه را به‌ویژه تحت تأثیر رقابت‌های انرژی و امنیتی قرار داده است و تنش‌های سیاسی بین این قدرت‌ها و رقابت برای نفوذ در آسیای مرکزی و جنوبی، چالش‌های امنیتی و اقتصادی پیش‌روی تاپی را افزایش داده است. در این شرایط، کشورهای مسیر پروژه مانند افغانستان و پاکستان نیز مجبور به مانور بین بلوک‌های قدرت هستند که ثبات اجرای طرح را تحت‌الشعاع قرار داده است (بهبودی‌نژاد، ۱۴۰۰).

از بین این آثار، مقاله آخر بیشترین شباهت را با پژوهش پیش رو دارد؛ اما با این تفاوت که در این نوشتار به زمینه‌های ژئوپلیتیکی ایجاد فرصت‌ها و چالش‌های خطوط لوله تاپی برای افغانستان اختصاص پرداخته خواهد شد. سایر آثار روابط این چند کشور را در یک کل منسجم مانند تقابل یا تعامل دوجانبه این کشورها در آسیای مرکزی و جنوبی بررسی نکرده‌اند و این هدفی است که نوشتار با استفاده از رهیافت‌های ژئوپلیتیکی دنبال می‌کند.

**چارچوب نظری. (رویکرد تئوریک ژئوپلی نومیک).** با آغاز قرن ۲۱ و سرعت شتابان تحولات بین‌المللی، بسیاری از اندیشمندان بر گذار از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی محض نظام بین‌الملل به شاخص‌های ژئوپلی نومیک<sup>۲</sup> تأکید نمودند. رویکرد دوم عمدتاً تمرکز اصلی خود را روی تجارت منطقه‌ای، قاره‌ای و فرا قاره‌ای مبتنی کرده است به‌نوعی که تجلی آن را در ترکیب هم‌زمان سه عنصر جغرافیا، سیاست و اقتصاد بنا نهاده است. اگرچه رویکرد ژئوپلی نومیکی در پرداخت ابتدایی شباهت‌های فراوانی با دیدگاه‌های نظری افرادی ژئواکونومیکی افرادی همچون ادوارد لی توواک<sup>۳</sup> در انتهای قرن بیستم و گذار از ساختار

<sup>۱</sup>. Strategic Depth

<sup>۲</sup>. Geopolitics

<sup>۳</sup>. Edward Nicolae Luttwak

پساجنگ سردی دارد، اما در نظریه ژئوپلی‌نومیک - که بر اساس دیدگاه افرادی همچون جورج دمکو<sup>۱</sup>، ویلیام وود<sup>۲</sup> و آفتاب کازی<sup>۳</sup> بنا نهاده شده است - مؤلفه‌هایی همچون کریدورهای انرژی، جاده‌های ابریشم مدرن و بنادر خشک و ساحلی از اهمیت فزاینده‌ای در شکل‌گیری ساختارها و فرایندهای آینده برخوردار خواهند بود.

استفاده از ژئوپلی‌نومیک به‌عنوان یک چارچوب مفهومی نیازمند درک هر دو جز آن یعنی ژئوپلیتیک و ژئواکونومی است. ژئوپلیتیک در پی تحلیل تأثیرات جغرافیا بر سیاست است. ژئوپلیتیک درباره چگونگی تأثیر مؤلفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی است. از این رو ژئوپلیتیک قدرت، جغرافیا و نظم سلطه جهانی را به هم پیوند می‌دهد و بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در اجرای سیاست تأکید می‌کند. بر همین مبنا هر کشوری با توجه به تحولات محیطی با کم‌وکیف متفاوت، با یک سیستمی از تهدید - فرصت‌ها مواجه است. این تهدید - فرصت‌ها در دو حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی می‌دهند. در این سیستم از تهدید - فرصت، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حادامکان تهدیدات را مهار یا تعدیل کنند و در عوض بیشترین استفاده را از فرصت‌ها ببرند. به بیان دیگر دولت‌ها سعی در بیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی تهدیدات دارند (صالحی یگانه و رئیسی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۶).

در این چارچوب ژئواکونومی به ترتیب به‌عنوان ابعاد اقتصادی ژئوپلیتیک در نظر گرفته می‌شوند. برخی از تحلیلگران ژئواکونومیک را ادغام اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیک می‌دانند. ژئواکونومی از ترکیب عناصر سه‌جانبه جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است. عنصر اقتصاد در ژئواکونومی جایگزین عنصر سیاست در ژئوپلیتیک می‌شود؛ بنابراین استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیک و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر کشورها بر اهداف ژئوپلیتیک یک کشور، ژئواکونومیک نام دارد. در ژئواکونومیک عواملی مانند انرژی، امنیت مسیرهای انتقال انرژی، ترانزیت، کریدورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تجارت اهمیت دارند. اما مفهوم ژئواکونومیک نیز تنها بخشی از واقعیت‌های روابط میان کشورها را به تصویر می‌کشد و نسبت به نگرانی‌های امنیتی بی‌توجه است. جورج دمکو و ویلیام وودز<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۴ اصطلاح ژئوپلی‌نومی را مطرح کردند. ژئوپلی‌نومی در واقع یک رژیم غیررسمی حاکم بر روابط کشورها برای روابط اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای، هم زمان با

1. George Demko

2. William Wood

3. Aftab Kazi

4. George J Demko & William Wood

رعایت نگرانی‌ها و دغدغه‌های ژئوپلیتیکی - امنیتی است. این مفهوم ابزاری برای تحلیل پدیده‌هایی چون راه‌گذرهای حمل‌ونقلی، مسیرهای حمل‌ونقل انرژی و روابط تجاری میان کشورها ضمن توجه به مسائل امنیتی میان آن‌ها و رقابیشان است؛ بنابراین اصطلاح ژئوپلی-نومی در درون خود مفهوم ژئوپلیتیک و ژئواکونومی را نهفته دارد و از ترکیب عوامل اقتصادی و سیاسی با مرکزیت جغرافیا شکل گرفته است. همچنین ژئوپلی-نومی بیانگر افزایش اهمیت اقتصاد سیاسی در معادله‌های جغرافیایی است (امیری و فلاحی، ۱۴۰۱: ۸). در تطابق چارچوب نظری پژوهش و عنوان آن لازم به توضیح است که به‌واسطه تأثیر منحصر به فرد خط لوله تاپی حداقل در روی کاغذ بر اقتصاد سیاسی افغانستان، این پروژه به واسطه موقعیت ترانزیتی افغانستان امکان ایجاد تحول در اقتصاد این کشور و تغییر وزن ژئوپلیتیکی آن را به همراه خواهد داشت. در واقع در صورت تکمیل موفقیت‌آمیز این پروژه، در کنار عواملی همچون مدیریت بی‌ثباتی‌های داخلی، امکان تبدیل افغانستان به یک مرکز ارتباطی در ذیل دستیابی به درآمد قابل توجه و ایفای نقش بیشتر در روندهای ژئواکونومیکی قابل تصور خواهد بود.

### ۱. خطوط لوله تاپی؛ تاریخ تأسیس و روندهای معاصر

تحلیل مسائل و چشم‌اندازهای اجرای پروژه خط لوله گاز تاپی در مرحله کنونی بدون اشاره به روندی که این پروژه را به وضعیت فعلی رسانده است، امکان‌پذیر نیست. این پروژه پیشینه‌ای طولانی و پیچیده دارد که ریشه‌های آن به دهه ۱۹۹۰ میلادی بازمی‌گردد. نام این پروژه مخففی از چهار کشور مشارکت‌کننده در آن یعنی ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند است که خط لوله گاز قرار است از قلمرو آن‌ها عبور کند. بر اساس طرح فعلی، مسیر اصلی این خط لوله (نقشه ۱) شامل میدان عظیم گازی «گالکینیش»<sup>۱</sup> در جنوب ترکمنستان، استان‌های هرات و قندهار در افغانستان، شهرهای کویته و مولتان در پاکستان، و در نهایت شهر «فاضلکا» ایالت پنجاب هند در نزدیکی مرز با پاکستان است. طول کلی این خط لوله در حدود ۱۸۰۰ کیلومتر پیش‌بینی شده و ظرفیت انتقال سالانه آن ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز خواهد بود (Durrani, 2021:21).

با این حال، در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی که ایده احداث خط لوله ترانس‌افغان برای نخستین بار مطرح شد، تنها سه کشور شامل ترکمنستان، افغانستان و پاکستان در آن مشارکت

<sup>۱</sup>. Galkynysh

داشتند. در سال ۱۹۹۵، دولت‌های ترکمنستان و پاکستان یادداشت تفاهمی برای احداث خط لوله گاز از ترکمنستان به پاکستان امضا کردند که می‌بایست از خاک افغانستان عبور می‌کرد. در آن زمان، شرکت آمریکایی یونوکال<sup>۱</sup> با همکاری شرکت نفتی سعودی دلتا اویل<sup>۲</sup> آمادگی خود را برای تأمین مالی پروژه اعلام کرده بود. این پرسش که چرا چنین ابتکاری در دوره‌ای بسیار بی‌ثبات افغانستان، یعنی در اوج جنگ داخلی و خلأ سیاسی، مطرح و پیگیری شد، منطقی به نظر می‌رسد. پاسخ این است که درست در همین دوره جنبش طالبان برای نخستین بار در صحنه سیاسی افغانستان ظاهر شد و با پیروزی‌های نظامی و برقراری محدودیت‌های شدید بر حقوق و آزادی‌های مردم در مناطق تحت کنترل خود، جلب توجه کرد. این جنبش باتکیه بر ایدئولوژی بنیادگرایانه نزدیک به وهابی‌گری موفق به جلب حمایت آمریکا، عربستان سعودی و پاکستان شد؛ بنابراین، حمایت شرکت‌های آمریکایی و سعودی از موفقیت این پروژه در صورت پیروزی طالبان در جنگ داخلی، کاملاً طبیعی می‌نمود. باین‌حال، امید اولیه شرکای پروژه به طالبان خیلی زود به ناامیدی بدل شد. پس از آنکه طالبان به حمایت از گروه تروریستی القاعده - عامل حملات به سفارت‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸- متهم شدند، پروژه برای مدت نامعلومی تعلیق شد. عملیات نظامی آمریکا و ناتو با عنوان «آزادی پایدار» که از اکتبر ۲۰۰۱ به‌منظور سرنگونی طالبان و مقابله با تروریسم القاعده در افغانستان آغاز شد، در ظاهر موانع بیشتری بر سر راه احیای این پروژه ایجاد کرد (Sahu, 2021:43).

با وجود این، در دهه ۲۰۰۰ میلادی آن‌هم اغلب با حمایت فعال ایالات متحده تلاش‌هایی برای احیای پروژه صورت گرفت؛ به‌عنوان نمونه، در سال ۲۰۰۲، رهبران ترکمنستان، پاکستان و رئیس دولت موقت افغانستان حامد کرزی در اسلام‌آباد یادداشت تفاهمی برای احداث خط لوله امضا کردند و چند ماه بعد، بانک توسعه آسیایی آمادگی خود را برای تأمین مالی پروژه اعلام نمود. یکی از نقاط عطف در روند این ابتکار پیوستن هند در سال ۲۰۰۸ پنج سال پس از دریافت دعوت رسمی بود. باین‌حال، تا زمانی که عملیات نظامی بین‌المللی در افغانستان ادامه داشت، عملاً امکان آغاز فاز اجرایی این پروژه - که اکنون «تاپی» نامیده می‌شد - در بخش افغانستانی وجود نداشت. به همین دلیل در طول دهه بعدی، سایر کشورهای عضو به تدریج مراحل ساخت زیرساخت‌های مربوطه را در خاک خود آغاز کردند، درحالی‌که افغانستان تا سال ۲۰۲۱ تنها کشوری بود که هنوز حتی کار ساخت‌وساز را آغاز نکرده بود.

<sup>۱</sup>. Unocal

<sup>۲</sup>. Delta Oil

اندکی پس از آن که در اوت ۲۰۲۱ قدرت سیاسی در افغانستان به دست طالبان افتاد، وضعیت امنیتی در کشور به تدریج رو به بهبود گذاشت و کاهش قابل توجهی در شدت درگیری‌های مسلحانه در سراسر کشور ثبت شد؛ این امر با توجه به این واقعیت که بخش عمده‌ای از حملات تروریستی پیش از آن توسط خود طالبان صورت می‌گرفت، قابل درک است. همان گونه که انتظار می‌رفت، مقامات ترکمنستان در سپتامبر همان سال مذاکرات خود با افغانستان - این بار در قالب «امارت اسلامی افغانستان» - را در خصوص ساخت خط لوله گاز تاپی از سر گرفتند و ادغام افغانستان در پروژه‌های زیربنایی منطقه‌ای را عاملی کلیدی در کمک به اقتصاد این کشور توصیف کردند. در همین راستا مقامات امارت اسلامی افغانستان علاقه ویژه‌ای به این پروژه نشان داده‌اند، چرا که طبق برآوردهای رسمی آن‌ها پروژه تاپی می‌تواند سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار درآمد حاصل از عوارض ترانزیت برای دولت افغانستان به همراه داشته باشد. افزون بر آن، این پروژه با ایجاد فرصت‌های اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای هزاران شهروند افغان - به‌ویژه در بخش‌های نگهداری فنی و حفاظت از خط لوله - نقشی مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه زیرساخت‌های داخلی ایفا خواهد کرد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که پس از بهره‌برداری از خط لوله، افغانستان طی دهه نخست سالانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز دریافت کند؛ در دهه دوم این میزان به یک میلیارد مترمکعب و در دهه سوم به ۱.۵ میلیارد مترمکعب افزایش یابد. با این حال، باید توجه داشت که این مسئله احتمالاً در بلندمدت برای افغانستان اهمیتی حیاتی نخواهد داشت، چرا که این کشور خود دارای ذخایر چشمگیر گاز طبیعی به حجم حدود ۴۴۰ میلیارد مترمکعب است که عمدتاً در ولایت‌های جوزجان، هلمند، هرات و قندوز متمرکزند؛ چالش اصلی در این زمینه، جذب سرمایه‌گذاری برای استخراج و انتقال این منابع است (Popal et al, 2024: 3).

با این حال، در حال حاضر این باور در افغانستان وجود دارد که در صورت موفقیت پروژه خط لوله ترانس افغان، کشور فرصتی بی‌نظیر برای بازسازی و احیای خود پس از چند دهه جنگ و ناآرامی خواهد داشت، تا این لحظه با وجود رکود نسبی در اجرای عملی پروژه - چرا که با روی کار آمدن طالبان، آغاز ساخت زیرساخت‌ها در بخش افغانستانی چندین بار به تعویق افتاده است - موضوع احداث خط لوله گاز تاپی همچنان جایگاهی مهم در روابط دوجانبه افغانستان و ترکمنستان دارد. در سه سال اخیر، رهبران دو کشور در سطوح رسمی بارها تمایل خود را برای آغاز فعالیت‌های اجرایی اعلام کرده‌اند. به‌عنوان نمونه در آوریل

۲۰۲۴ رئیس‌جمهور ترکمنستان سردار بردی‌محمداف، در سخنرانی خود در «همایش بین‌المللی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی ترکمنستان»<sup>۱</sup> در پاریس، اجرای پروژه تاپی را یکی از اولویت‌های اصلی توسعه‌بخش نفت و گاز ملی معرفی کرد. در همان ماه، در نشست میان‌نهادی پیرامون پروژه تاپی به ریاست سرپرست وزارت معادن و پترولیوم امارت اسلامی شهاب‌الدین دلاور اعلام شد که کمیته‌ای برای هماهنگی اجرای پروژه تاپی تشکیل خواهد شد. سرانجام در اواخر ژوئیه همان سال، ترکمنستان میزبان کاردار موقت امارت اسلامی افغانستان بود و در جریان این دیدار نیز دو طرف بار دیگر بر امید به آغاز هرچه سریع‌تر همکاری‌های مشترک در چارچوب پروژه تاپی تأکید کردند (Mumtaz et al, 2024: 5). به بیان دیگر هرچند اجرای عملی پروژه در حال حاضر با کندی پیش می‌رود، اما مقامات دو کشور به‌طور مکرر و فعالانه در موضع‌گیری‌های رسمی خود حمایت صریح خود را از این ابتکار اعلام کرده‌اند.

**۲. پویایی‌های خطوط لوله تاپی: از تحرک شاخص‌های اقتصادی تا رقابت‌های منطقه‌ای**

بنا بر ظرفیت‌های خط لوله تاپی، برخی از گمانه‌زنی‌های اولیه حکایت از آن داشت که پروژه خط لوله تاپی در افغانستان بتواند همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت کرده، رشد اقتصادی را تسریع بخشد و چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌ای برای کشورهای دخیل در پروژه ایجاد کند. از جمله مزیت‌های راهبردی در نظر گرفته شده برای این خط لوله، نقش آن در ارتقای امنیت انرژی برای کشورهای مشارکت‌کننده است. افغانستان، پاکستان و هند که با کمبود انرژی مواجه‌اند، به منابع متنوع از انرژی دست خواهند یافت. برای نمونه، هند که به‌شدت به ضرورت تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود واقف است، چشم‌انداز بهره‌برداری از گاز طبیعی ترکمنستان را بسیار حائز اهمیت می‌داند. در نتیجه شواهد حکایت از آن دارد که بازیگرانی همچون دهلی‌نو در تلاش برای رسیدن به سطحی از استقلال راهبردی در سیاست انرژی خود و جدایی از منابع سنتی انرژی قدم برمی‌دارند (Durrani, 2023:2)، این پویایی‌ها در طراحی سیاست‌های هریک از بازیگران دخیل در این پروژه به‌وضوح مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه، در سوی دیگر، پاکستان در حال حاضر به‌شدت به واردات نفت برای تأمین نیازهای انرژی خود متکی است. تنوع‌بخشی به سبد انرژی این کشور، از جمله با گنجاندن گاز طبیعی، ظرفیت آن را دارد که وابستگی پاکستان به نفت وارداتی را کاهش داده و

<sup>1</sup>. The International Forum on Attracting Foreign Investment in the Energy Sector of Turkmenistan

در نتیجه امنیت انرژی آن را تقویت کند. در صورت تحقق، این پروژه می‌تواند نویدبخش فرصت‌های اشتغال و تسریع توسعه زیرساخت‌ها در کشورهای مشارکت‌کننده باشد و طیفی از منافع اقتصادی را به همراه آورد.

اما فراتر از منافع مذکور برای کشورهای مشارکت‌کننده، برخی از تولیدکنندگان سنتی انرژی همچون روسیه نیز به این پروژه رویکرد خاصی داشته‌اند. با توجه به اهمیت استراتژیک پروژه تاپی به مثابه یک پروژه ترانزیت گاز، از سوی دیگر باید به آن به منزله پلی استراتژیک میان آسیای مرکزی و جنوبی نگرست که بر اساس نیازها و منافع صرف کشورهای این دو منطقه طراحی شده است. روسیه به عنوان یکی از بازیگران بالقوه کلیدی در این پروژه، تلاش دارد دامنه نفوذ خود را به منطقه جنوب آسیا گسترش دهد و از کنترل همه‌جانبه بازار مهم انرژی هند توسط این خط لوله توسط ترکمنستان ممانعت به عمل آورد. در نتیجه تلاش خواهد نمود تا در آن با بالاترین شکل ممکن ایفای نقش کند. چنان‌که طبق اظهارات ضمیر نبی‌ویچ کابلوف<sup>۱</sup> - سفیر سابق فدراسیون روسیه در افغانستان (۲۰۰۴-۲۰۰۹)، چنین رویکردی از منظر سیاسی بسیار جذاب به نظر می‌رسد. وی تأکید می‌کند که «مسائل مربوط به تأمین امنیت این پروژه که پیش‌تر به عنوان چالش برانگیزترین ابعاد آن شناخته می‌شد، اکنون از شدت و اهمیت پیشین خود کاسته‌اند».

در عین حال، یکی از اهداف راهبردی اصلی مسکو دستیابی به اقیانوس هند از طریق توسعه بیشتر کریدور ترانزیتی شمال-جنوب است؛ هدفی که پروژه تاپی می‌تواند در تحقق آن نقش ایفا کند. در سال ۲۰۲۱، سرگئی لاوروف<sup>۲</sup>، وزیر امور خارجه روسیه، در جریان کنفرانس بین‌المللی «آسیای مرکزی و جنوبی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» که در تاشکند برگزار شد، با اشاره به علاقه‌مندی کرملین به مشارکت در احداث مسیرهای جدید انتقال گاز منطقه‌ای، اظهار داشت: ادغام زیرساخت‌های انرژی آسیای مرکزی و جنوبی بسیار امیدبخش است... اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حال کار بر روی تشکیل یک بازار برق‌رسانی واحد است و این روند می‌تواند با پروژه‌های تأمین برق در آسیای مرکزی و جنوبی هماهنگ شود (Haider, 2023). بدون تردید، مشارکت روسیه در پروژه تاپی، گامی در راستای تحقق طرح «مشارکت اوراسیای بزرگ‌تر<sup>۳</sup>» است. این طرح به یکی از اجزای کلیدی سیاست منطقه‌ای مسکو تبدیل شده است که هدف آن، در کنار دیگر اهداف، ایجاد شبکه‌ای از

<sup>1</sup>. Zamir Kabulov

<sup>2</sup>. Sergey Lavrov

<sup>3</sup>. Greater Eurasian Partnership

مناطق تجارت آزاد، اتحادهای تجاری و اقتصادی بین منطقه‌ای و پیوند دادن پروژه‌های ادغام منطقه‌ای در گستره اوراسیاست.

افزون بر این، روسیه که در پی تهاجم به اوکراین با تحریم‌های غربی مواجه شده است، در تلاش است تا شراکت راهبردی<sup>۱</sup> خود را با ترکمنستان که از نظر منابع انرژی غنی است، تقویت کند. در همین چارچوب، مسکو به مشارکت در پروژه تاپی علاقه‌مند است تا مسیر صادرات انرژی خود را از اروپا به سمت آسیا تغییر دهد. باتوجه به اینکه امنیت یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های پیشین مسکو در قبال این پروژه بود، به نظر می‌رسد اکنون مقامات روس از تضمین‌های ارائه‌شده از سوی دولت طالبان رضایت دارند (Durrani, 2023)، علی‌رغم مزایای فوق، می‌توان گفت که در مسیر اجرای پروژه تاپی همواره برخی مسائل، موجب تعویق و تأخیر در تحقق آن شده‌اند. یکی از این مشکلات، بی‌ثباتی و عدم قطعیت در تأمین مالی پروژه است. انتظار می‌رود صندوق توسعه آسیایی تنها بخش کوچکی از هزینه‌های این پروژه را پوشش دهد؛ بنابراین بخش عمده تأمین مالی بر عهده شرکای خصوصی گذاشته خواهد شد. مسئله دیگر، پیچیدگی مدیریت پیشنهادی این خط لوله است؛ زیرا دولت ترکمنستان مقرر داشته است که چهار شرکت مجزای خط لوله برای هر یک از کشورهای مسیر وجود داشته باشد که هر یک، بخش خود از خط لوله را ساخته، مالک بوده و بهره‌برداری کند، از دیگر چالش‌ها می‌توان به عبور بخش عمده‌ای از خط لوله از مناطق به‌شدت متخاصم و ناامن در افغانستان اشاره کرد که موانع امنیتی جدی به همراه دارد. همچنین تصور شراکت پایدار، مطمئن و مؤثر میان هند و پاکستان در این پروژه دشوار به نظر می‌رسد. افزون بر این، شرایط نامطلوب سرمایه‌گذاری در ترکمنستان مانع از جذب سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه تاپی شده است. ترکمنستان کشوری محصور است که تنها تا حدودی - آن هم عمدتاً از طریق چین - در اقتصاد جهانی و نظام بین‌الملل ادغام شده است. بی‌میلی این کشور برای عضویت در نهادهای منطقه‌ای نیز توانایی آن را در مواجهه با مسائل فراملی محدود کرده است.

درعین حال، اگرچه ترکمنستان از ذخایر گازی بسیار فراوانی برخوردار است، اما میزان توانایی آن در توسعه این منابع - از نظر حکمرانی، فناوری، نیروی کار ماهر و سرمایه - همچنان نامشخص باقی مانده است. فساد و ضعف در فرایندهای حکمرانی، مانع از آن شده‌اند که شهروندان این کشور به‌طور کامل از ثروت منابع طبیعی خود بهره‌مند شوند. باوجود تمامی این چالش‌ها، باید گفت خوش‌بینانه‌ترین امید کوتاه‌مدت ترکمنستان برای تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی خود، پروژه خط لوله تاپی است.

<sup>۱</sup>. Strategic Partnership

از سوی دیگر، اهمیت استراتژیک پروژه تاپی برای ترکمنستان نیز قطعی و غیرقابل انکار است؛ چراکه زیرساخت‌های موجود عمدتاً برای هدایت جریان گاز ترکمنستان به سمت شرق (چین) یا شمال (روسیه) طراحی شده‌اند و ترکمنستان فاقد زیرساخت‌های لازم برای انتقال گاز به سایر بازارهای جدید است. زیرساخت‌های به ارث رسیده از دوران اتحاد جماهیر شوروی به این معنا بود که روسیه تا مدت‌ها کنترل تقریباً کاملی بر مسیرهای صادرات گاز ترکمنستان به خارج از کشور داشت. باین‌حال، از سال ۲۰۰۹، چین جایگزین روسیه به‌عنوان شریک اصلی تجاری ترکمنستان در حوزه گاز و منبع اصلی درآمد صادراتی این کشور شده است. در نتیجه، ترکمنستان در مذاکرات قیمت گاز با روسیه و چین از اهرم فشار قابل توجهی برخوردار نبوده و اگر بخواهد در حوزه گاز به بازیگری مستقل و قدرتمند بدل شود، باید مسیرهای انتقال انرژی جدیدی ایجاد کند تا ضمن تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی، امکان فروش گاز با قیمت‌های بالاتر را نیز فراهم آورد (Burna-Asefi, 2022).

### ۳. ظرفیت‌های ژئوپلیتیک خطوط لوله تاپی و موقعیت افغانستان

**آثار اقتصادی و اهمیت استراتژیک.** بر اساس برآوردهای اولیه پروژه خط لوله ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند فرصت متنوعی برای رشد اقتصادی افغانستان فراهم می‌آورد، به‌ویژه با توجه به شرایط اقتصادی کنونی این کشور، این پروژه از طرق مختلف می‌تواند بر چشم‌انداز اقتصادی افغانستان تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال افغانستان از طریق دریافت عوارض ترانزیت از این خط لوله، سالانه بیش از ۴۰۰ میلیون دلار درآمد خواهد داشت که معادل حدود ۲۸ میلیارد افغانی با نرخ فعلی ارز است. این درآمد تقریباً معادل ۱۰٪ از بودجه ملی سال ۲۰۲۳-۲۰۲۴ افغانستان (۲۹۵ میلیارد افغانی) است. از آنجاکه این درآمدها به دلار آمریکا دریافت خواهند شد، می‌تواند به تقویت ارزش پول ملی افغانستان و تثبیت اقتصاد در بلندمدت کمک کند. همچنین پیش‌بینی می‌شود افغانستان سالانه بین ۵۰۰ میلیون تا ۱.۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از این خط لوله به مدت ۳۰ سال دریافت کند. این عرضه گاز، وابستگی کشور به واردات انرژی را کاهش داده و از خروج ارز برای واردات گاز جلوگیری خواهد کرد. دسترسی به گاز طبیعی برای تولید برق، گرمایش و پخت‌وپز ضروری بوده و به خودکفایی بیشتر انرژی و بهبود شرایط زندگی منجر خواهد شد. تنها در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۴، افغانستان ۹۷ میلیون دلار گاز مایع وارد کرده که نشان‌دهنده وابستگی شدید کشور به واردات گاز است (TOLOnews, 2024).

عمدتاً، پروژه‌های انتقال انرژی، طراحی هزاران شغل مستقیم و غیرمستقیم در زمینه‌های ساخت‌وساز، نگهداری و خدمات مرتبط با بهره‌برداری از خط لوله را با خود به همراه خواهند داشت. در افغانستان نیز طالبان با توجه به ضرورت پاسخگویی به مطالبات داخلی در حوزه اقتصادی، نیاز شدیدی به احیای پروژه‌های مشابه دارد. بنا بر اظهارات یکی از مقامات طالبان، «پروژه خط لوله تاپی می‌تواند در مراحل مختلف تا ۱۲ هزار نیروی کار را به کار گیرد که به کاهش بیکاری در کشور کمک شایانی خواهد کرد. حتی اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های در این مقیاس می‌تواند باعث جذب سایر سرمایه‌گذاری‌های خارجی به افغانستان شود. با بهبود زیرساخت‌ها و ثبات بیشتر محیط کسب‌وکار، شرکت‌های بین‌المللی ممکن است تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در کشور پیدا کنند. پیشرفت پروژه تاپی می‌تواند راه را برای سایر پروژه‌های مهم مانند انتقال برق از ترکمنستان به پاکستان، توسعه راه‌آهن و نصب شبکه‌های فیبر نوری هموار کند. موفقیت این پروژه ممکن است باعث احیای پروژه‌های قدیمی‌تر مانند کاسا ۱۰۰۰ و توتاپ<sup>۱</sup> و تونل جدید سالنگ نیز شود. همچنین خط لوله تاپی بیش از ۸۰۰ کیلومتر در خاک افغانستان امتداد خواهد یافت که نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجه در زیرساخت‌های تجاری و صنعتی برای پشتیبانی از عملیات آن است. توسعه این زیرساخت‌ها ظرفیت اقتصادی افغانستان را افزایش داده و تجارت داخلی و بین‌المللی را تسهیل خواهد کرد که بانک توسعه آسیایی در سال ۲۰۰۸ هزینه این پروژه را بیش از ۷.۶ میلیارد افغانی برآورد کرده بود» (Rahmany, 2024: 15).

همان‌طور که گفته شد بنا بر برخی از پیش‌بینی‌ها، این پروژه علاوه بر منافع اقتصادی حاصل از عوارض ترانزیت که سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود، نقش حیاتی در تثبیت اقتصاد کشور از طریق ادغام آن در زیرساخت انرژی منطقه‌ای ایفا خواهد کرد. با توجه به چالش‌های اقتصادی کنونی و وابستگی به کمک‌های خارجی، این منفعت اقتصادی برای افغانستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، با استفاده از فرصت خط لوله تاپی، طالبان به دنبال بهره‌برداری و تقویت اهرم‌های ژئوپلیتیک خود است. با ایفای نقش به‌عنوان حلقه ارتباطی کلیدی در کریدور انرژی مهم، طالبان به دنبال آن است تا ارزش استراتژیک خود را برای کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی درگیر در پروژه افزایش دهد. این موقعیت استراتژیک باید بتواند به طور بالقوه منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و حمایت سیاسی از سوی کشورهای مشارکت‌کننده در خط لوله شود. طالبان به دنبال آن است تا با

<sup>۱</sup>. CASA-1000، TOTAP

جلب حمایت نهادهای مالی کلیدی مانند بانک توسعه آسیایی<sup>۱</sup>، تاپی را به‌عنوان ابزاری برای ترویج همکاری‌های منطقه‌ای و توسعه اقتصادی، به‌ویژه در افغانستان پس از جنگ معرفی کند. (Global Energy Review, 2023).

**تثبیت نقش منطقه‌ای طالبان در اتصال دو منطقه آسیای مرکزی و جنوبی.**

بازگشت طالبان به قدرت به طور قابل توجهی ژئوپلیتیک منطقه‌ای و روابط اقتصادی را تغییر داده است. طالبان به دنبال مشارکت‌های جدید برای شکستن انزوای سیاسی و اقتصادی خود هستند. سرمایه‌گذاری ترکمنستان در افغانستان بیش از ۱/۵ میلیارد دلار است که شامل پروژه‌های زیربنایی مانند خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند می‌شود. در سال ۲۰۲۴، تفاهم نامه‌هایی بین طالبان با رهبران ترکمنستان به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار امضا شد تا مسیرهای ترانزیت نفت و گاز را که روسیه را از طریق افغانستان به آسیای جنوبی متصل می‌کند، کشف کنند. برای درک بهتر نقش طالبان در آسیای مرکزی، بررسی عملکرد موازنه آن‌ها بین چین و روسیه، دو قدرت منطقه‌ای با منافع متفاوت، ضروری است. در حالی که چین به دنبال ثبات در افغانستان برای تامین امنیت مسیرهای تجاری تحت ابتکار یک کمربند و راه و جلوگیری از افراط‌گرایی در نزدیکی سین کیانگ است، روسیه بر مدیریت خطرات امنیتی سرایت به حوزه آسیای مرکزی خود تمرکز می‌کند. طالبان نیز به نوبه خود از موقعیت استراتژیک خود به عنوان یک کشور حائل استفاده می‌کند و با هر دو کشور به صورت دیپلماتیک درگیر می‌شود و در عین حال خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی در امنیت منطقه‌ای قرار می‌دهد. مشارکت‌های تجاری، افغانستان را از پاکستان به سمت آسیای مرکزی و روسیه هدایت کرده است. کشورهای آسیای مرکزی در عین حفظ منافع خود، تعامل خود را با افغانستان متعادل می‌کنند. خطرات امنیتی مداوم، تغییرات احتمالی در رهبری طالبان و فشارهای ژئوپلیتیک خارجی می‌تواند استراتژی تعامل منطقه را تغییر دهد. تحولات آینده، مانند افزایش همکاری اطلاعاتی یا تغییر در صف‌بندی‌های اقتصادی جهانی، ممکن است بر نقش منطقه‌ای افغانستان تأثیر بیشتری بگذارد (Turgunbaeva and Ghiasi, 2025).

مدیران اجرایی این خط لوله مدعی‌اند کمبود انرژی در هند، پاکستان و افغانستان را برطرف می‌کند و همکاری منطقه‌ای، رشد اقتصادی را تقویت می‌نماید؛ بنابراین تاپی یک عنصر حیاتی از استراتژی گسترده‌تر طالبان برای احیای پروژه‌های انتقال و ترانزیت مهم

<sup>۱</sup>. ADB: Asian Development Bank

انرژی است. انتظار می‌رود تاپی که پس از بازگشت طالبان به قدرت به حالت تعلیق درآمده است، برای ولایات مختلف افغانستان اشتغال و درآمد ایجاد کند و در نتیجه مشروعیت داخلی طالبان را تقویت کند. این پروژه برای تأمین نیازهای انرژی مناطق شهری و روستایی و همچنین حمایت از مراکز صنعتی و تولیدی در مناطق پرجمعیت و دارای اهمیت استراتژیک مانند هرات، هلمند و قندهار حیاتی خواهد بود. علاوه بر این، اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های انتقال و ترانزیت انرژی، مانند تاپی، پتانسیل تقویت روابط دیپلماتیک و اقتصادی طالبان با کشورهای همسایه را دارد. یکی دیگر از پیامدهای مهم تاپی، حتی اگر محدود به چهار فاز آن در افغانستان باشد، افزایش تنوع در مقاصد و مسیرهای صادرات گاز ترکمنستان است. در طول سه دهه گذشته، ترکمنستان خطوط لوله صادرات گاز را در سه مسیر اصلی توسعه داده است: شمال (روسیه)، شرق (چین) و غرب (ایران و ترکیه). اجرای تاپی یک مسیر جنوبی جدید ایجاد و شبکه صادرات گاز ترکمنستان را تقویت می‌کند. احتمال آن است که این تنوع، موقعیت ترکمنستان را در بازار گاز منطقه‌ای تقویت کند و اهرم و قدرت چانه‌زنی بیشتری را برای این کشور در مذاکرات فراهم کند. علاوه بر این، ترکمنستان همچنان به پویایی رقابتی خود به‌ویژه ایران توجه دارد. تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های آمریکا، ظرفیت سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات خارجی ایران را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. همچنین ابتکارات عمده انتقال گاز، به‌ویژه خط لوله صلح (ایران - پاکستان - هند) را متوقف کرده است. در این زمینه، اجرای موفقیت‌آمیز تاپی می‌تواند ترکمنستان را به‌عنوان یک بازیگر قابل اعتمادتر و تأثیرگذارتر در بازار انرژی منطقه‌ای تبدیل کند (Johnson, 2024: 35).

**تأثیر وضعیت سیاسی افغانستان و پیرامون آن.** بدیهی است که حتی در شرایط سیاسی جدید - چه در سطح داخلی افغانستان و چه در سطح منطقه‌ای - فرایند اجرای پروژه تاپی هنوز فاصله زیادی تا تحقق کامل دارد. گرچه همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، از میانه سال ۲۰۲۱ به بعد، وضعیت امنیتی افغانستان تا حدودی ثبات بیشتری یافته، اما این حوزه همچنان با مشکلات متعدد و حل‌نشده‌ای مواجه است. سطح خشونت در کشور همچنان بالا باقی مانده و این مسئله بیش از همه به فعالیت گروه‌های بین‌المللی تروریستی، به‌ویژه شاخه داعش موسوم به «ولایت خراسان» و همچنین گروه‌های مسلح مخالف طالبان مانند «جبهه مقاومت ملی افغانستان» به رهبری احمد مسعود و امرالله صالح مربوط می‌شود. اگرچه نسبت به دوره جمهوری اسلامی افغانستان و حضور نیروهای خارجی، وضعیت امنیتی به‌طور نسبی بهبود یافته، اما وقوع منظم و نگران‌کننده حوادث خشونت‌بار در کشور به‌ویژه

در مناطق ناامن، همچنان تأثیری منفی بر تمایل بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی برای تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی در افغانستان دارد.

از سوی دیگر، «وضعیت مبهم و مناقشه‌برانگیز<sup>۱</sup>» دولت کنونی افغانستان نیز از جمله عوامل بازدارنده است. امارت اسلامی افغانستان تاکنون از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته نشده است؛ نشانه روشن این امر، امتناع سازمان ملل از واگذاری کرسی نمایندگی دائمی افغانستان به امارت اسلامی و همچنین عدم لغو تحریم‌ها علیه اعضای رهبری طالبان است. این وضعیت نه تنها فرایند اجرای پروژه تاپی را با دشواری‌هایی مواجه ساخته، بلکه می‌تواند عاملی بازدارنده برای بسیاری از سرمایه‌گذاران بالقوه در اقتصاد افغانستان باشد. به طور خاص در سال ۲۰۲۲ بانک توسعه آسیایی به دلیل همین عدم قطعیت و نبود شناسایی بین‌المللی، مشارکت خود در پروژه تاپی را به حالت تعلیق درآورد؛ اقدامی که برای مدتی پروژه را با مشکل تأمین مالی مواجه ساخت (Yildirim, 2023: 270).

بنابراین، باید تأکید کرد که پروژه تاپی دارای بستر ژئوپلیتیکی و به‌ویژه ژئواکونومیکی نیرومندی است: نخست آنکه این پروژه، کشورهایی را گرد هم می‌آورد که درگیر منازعات دیرینه و «آتش زیر خاکستر» هستند؛ از جمله هند و پاکستان که گرچه تنش‌هایشان به طور مستقیم مانع اجرای پروژه نمی‌شود، اما در دوره‌هایی از تیرگی روابط دوجانبه می‌تواند به شکل‌گیری موانعی پراکنده بینجامد. این امر در حالی است که هر دو کشور با افزایش مستمر نیاز به منابع انرژی مواجه‌اند. همین وضعیت در مورد روابط ناپایدار افغانستان و پاکستان نیز صادق است؛ روابطی که گهگاه با درگیری‌های مرزی به‌ویژه در امتداد «خط دیورند» تشدید می‌شود. این موارد، ولو به شکل غیرمستقیم، می‌توانند چشم‌انداز اجرای اثبات پروژه تاپی را تحت‌تأثیر قرار دهند.

در سطحی کلان‌تر و با نگاهی به منافع اقتصادی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، رویکرد واشنگتن در پروژه خط لوله تاپی بر پایه اهداف درازمدت و استراتژیک این کشور در منطقه تنظیم شده است. به واسطه این پروژه اقتصادی، ژئوپلیتیک منطقه به نفع آمریکا رقم خواهد خورد و راه برای احداث پایگاه‌های دائمی آمریکا در افغانستان و حضور آن‌ها در کنار مرزهای ایران هموار می‌شود. آمریکا تلاش دارد با حذف ایران از بازار پر رونق و فزاینده انرژی منطقه، به اقتصاد و نفوذ سیاسی ایران در منطقه، آسیب‌های غیرقابل‌جبرانی وارد خواهد ساخت. هرچند تضعیف ایران و کاستن از اهمیت در منطقه یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا در چارچوب حمایت از پروژه تاپی است، لیکن آن‌ها به‌خوبی از منافع دیگر مترتب بر

---

<sup>۱</sup>. Ambiguous and Controversial Situation

این طرح نیز آگاهاند، آمریکایی‌ها با اجرای این پروژه، دست چین را از منابع انرژی آسیای مرکزی کوتاه کرده و هم‌زمان قادر به تضعیف نفوذ روسیه در این منطقه می‌شوند؛ بنابراین، اهمیت ژئواستراتژیک افغانستان دلیل اصلی انتخاب این سرزمین برای حضور و سلطه آمریکاست، زیرا هر نیرویی که در این کشور مسلط شود، خواهد توانست از این سرزمین کشورهای روسیه، چین، ایران، پاکستان و هند را کنترل کند؛ بنابراین خط لوله تاپی برای آمریکا هم وسیله و هم هدف است، به‌گونه‌ای که ابزار و مستمسکی برای حضور همیشگی آمریکا و هدفی برای تغییر ژئوپلیتیک منطقه است. از این‌رو، اهمیت و نقشی که این خط لوله در امر تأمین درازمدت منافع آمریکایی‌ها در منطقه دارد، دستیابی به آن با دست آویختن به هر ابزار و وسیله‌ای را برای مقامات واشنگتن توجیه‌پذیر می‌کند (محسنی فر، ۱۳۹۶: ۲).

همچنین پروژه تاپی به‌ظاهر با منافع چین - یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان - در تعارض قرار دارد. اگرچه چین در تلاش برای تنوع‌بخشی به مسیرهای واردات انرژی خود است، اما علاقه‌ای ندارد تا تأمین‌کننده‌ای راهبردی همچون ترکمنستان را با رقیبی ژئوپلیتیکی مانند هند شریک شود. ترکمنستان از طریق دو خط لوله اصلی از سه خط لوله آسیای مرکزی-چین، گاز را به این کشور صادر می‌کند و چین با توجه به این وابستگی، در پی حفظ انحصار دسترسی خود به گاز ترکمنستان است (Bazarov, 2022:43).

برخی کارشناسان روس نیز بر این باورند که حضور روسیه به‌ویژه از طریق شرکت گازپروم می‌تواند هم به متعادل‌سازی منافع قدرت‌های منطقه‌ای و هم به تسریع اجرای پروژه تاپی کمک کند؛ زیرا نمایندگان گازپروم از سال ۲۰۲۲ در مذاکرات با مقامات ترکمنستان شرکت داشته‌اند. بر اساس تحلیل اقتصاددان قزاقستانی عزیز بورخان اف<sup>۱</sup>، روسیه و ترکمنستان همکاری دیرینه و گسترده‌ای در بخش انرژی دارند و مسکو مایل است زیرساخت‌های انرژی آسیای مرکزی و جنوبی را به یکدیگر متصل کند تا در آینده بتواند از طریق قرارداد سوآپ با ترکمنستان، گاز خود را به بازار هند صادر کند. افزون بر این، مقامات افغان نیز بارها تمایل خود را برای سپردن نقش پیمانکار اصلی پروژه تاپی به روسیه ابراز کرده‌اند. بدیهی است که روسیه در حوزه احداث خطوط لوله گاز تجربه و تخصص گسترده‌ای دارد و در صورت بروز مشکلات مالی نیز می‌تواند تضمین و پشتیبانی لازم را برای ادامه پروژه فراهم آورد، با این حال، این احتمال نیز وجود دارد که روسیه ترجیح دهد به جای پروژه تاپی، در طرح رقیب یعنی خط لوله صلح مشارکت کند؛ طرحی که مسیر آن از افغانستان

<sup>۱</sup>. Aziz Burkhanov

عبور نمی‌کند، چنین احتمالی باتوجه‌به افزایش فعالیت‌های گازپروم در ایران و تعمیق همکاری‌های روسیه و ایران - در سایه تحریم‌های غرب - بیش از پیش تقویت شده است. با وجود این، مقامات روسیه امکان پیوستن به پروژه تاپی را نیز منتفی نمی‌دانند و آن را مشروط به حل مشکلات امنیتی در بخش افغانستانی این خط لوله می‌دانند (Popal et al, 2024: 8). در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت یا دست‌کم پیشرفت قابل‌توجه هر یک از این دو پروژه تاپی یا خط صلح تا حد زیادی به این بستگی خواهد داشت که روسیه کدام مسیر را برای همکاری استراتژیک خود انتخاب کند.

### مشکلات زیرساختی و اقتصادی بر سر راه احداث خط لوله تاپی. ویژگی‌های

توپوگرافیک برخی مسیرها در افغانستان و پاکستان و تأمین مالی احداث خط لوله از معضلات احداث این خط لوله مخصوصاً در خارج از ترکمنستان است. از طرف دیگر رایزنی‌های فشرده دولت بردی محمداف با کشورهای مختلف اعم از ازبکستان، ایتالیا، مالزی و نیز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته است و حتی کمک‌های نقدی و غیرنقدی عربستان سعودی به ترکمنستان برای تکمیل بخش‌هایی از تاپی نیز به حدی ناچیز بوده که نتوانسته است انگیزه‌ای برای پیشرفت این پروژه به وجود بیاورد. همچنین ابهام در حجم ذخایر و تولید ترکمنستان به‌گونه‌ای است که برای بررسی ذخایر گازی و همچنین نظارت بر صادرات گاز طبیعی ترکمن‌ها با شرکت انگلیسی «گفنی کلین و شرکاء»<sup>۱</sup> قراردادی بسته و هدف خود از این کار را افزایش تولید و صادرات گاز عنوان کرده است، هم‌اکنون ترکمنستان بخش عمده گاز طبیعی خود یعنی ۵۰ میلیارد مترمکعب را به شرکت روسی گازپروم می‌فروشد. ایران نیز خریدار ۸ میلیارد مترمکعب گاز تولیدی این کشور است. به‌علاوه، چین هم قراردادی با ترکمنستان بسته که بنا بر آن، سالانه به میزان سی میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از این کشور وارد کند. اگر به این ارقام مصرف‌رובה‌افزایش داخلی ترکمنستان را که فعلاً ۱۲ میلیارد مترمکعب است، بیفزاییم، مجموعاً یک‌صد میلیارد مترمکعب از گاز تولیدی این کشور در حال حاضر مشتری دارد و به‌این ترتیب برای صادرات ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز به کشورهای افغانستان، پاکستان و هند، نیاز به شناسایی و تولید از منابع جدید دارد؛ افزون بر اینکه بحث مشارکت این کشور در طرح موسوم به نابوکو تحت حمایت اروپا و آمریکا نیز مطرح است (Thompson, 2023: 130).

<sup>۱</sup>. Gaffney, Cline & Associates

همچنین گفتنی است که ترکمنستان از ابتدا مایل بود قیمت گاز صادراتی خود برای هر یک از کشورهای عضو این پروژه متفاوت باشد؛ اما بقیه کشورهای حاضر در پروژه مخالفت کردند. در سال ۲۰۰۸ پاکستان و هند قیمت ۲۰۰ دلار را برای هزار مترمکعب گاز وارداتی مطرح کردند، اما ترکمنستان آن را پائین‌تر از قیمت‌های بازار گاز دانست همچنین ترکمنستان اعلام داشت که هیچ تعهدی بعد از واگذاری گاز در مرزهای خود، اعم از مشارکت در احداث خط لوله، یا تعهد در قبال امنیت آن بر عهده نخواهد گرفت مخصوصاً که ترکمنستان ۸۵ درصد هزینه احداث خط لوله در تمامی طول مسیر به اضافه هزینه استخراج و انتقال گاز را بر عهده دارد و این کشور تاکنون ۱۰ میلیارد دلار در پروژه تاپی هزینه کرده است، پاکستان بتازگی خواستار پذیرش مسئولیت ریسک بیشتر از جانب ترکمنستان پیرامون قطعی احتمالی گاز در آینده به هر دلیلی شده است. در مذاکراتی که در فوریه ۲۰۱۱ بین کشورهای حاضر در اجرای خط لوله درباره گاز بها و تعرفه ترانزیت گاز از مسیر این خط لوله صورت گرفت، پاکستان پیشنهاد یکسان بودن بهای گاز را برای همه کشورهای حاضر در این پروژه گازی طرح و تاکید کرد تعرفه ترانزیت گاز نباید بخشی از بهای گاز در نظر گرفته شود. پاکستان همچنین با اعلام مخالفت خود درباره هماهنگی و ارتباط بهای گاز با قیمت نفت خام تاکید کرد قیمت‌های گاز باید با قیمت‌های داخلی این ماده هماهنگ و مرتبط شود، هند نیز در طول این گفتگوها پیشنهاد هماهنگ سازی بهای گاز با قیمت‌های زغال سنگ را مطرح کرد. هند همچنین خواهان پرداخت گازبهای کمتری نسبت به هزینه‌های تمام شده برای واردات گاز طبیعی مایع شده ال ان جی شد؛ پیشنهادی که تحقق آن محال به نظر می‌رسد. یک مقام ارشد پاکستانی در می ۲۰۱۲ اظهار کرد پاکستان ۲۱۷ میلیون دلار به عنوان تعرفه ترانزیت گاز از هند دریافت و همین مقدار را به عنوان تعرفه ترانزیت گاز به افغانستان پرداخت خواهد کرد (Kumar, 2023: 45).

طرف دیگر این خط لوله افغانستان است که ابتدا حاضر به قبول هیچ‌گونه تعرفه ثابت ترانزیت گاز با خط لوله تاپی نبود و اعلام کرد ترجیح می‌دهد که تعرفه ترانزیت گاز با بهای گاز مرتبط و هماهنگ شود. یعنی با افزایش و کاهش بهای گاز، تعرفه آن نیز تغییر پیدا کند. به تازگی بار دیگر دو کشور هند و پاکستان متعاقب تجارب چند سال گذشته خود در دریافت گاز ال ان جی و مقایسه قیمت گاز دریافتی از تاپی با گاز مایع، خواهان کاهش هر چه بیشتر قیمت گاز دریافتی از ترکمنستان شده‌اند. هند و پاکستان معتقد هستند گاز دریافتی از خط لوله تاپی از نظر میزان گاز و مدت زمان انتقال آن انعطاف کمتری نسبت به

گاز ال ان جی دارد. مثلاً قیمت این نوع گاز در فصول سرما و گرما یکسان نیست و اختلاف زیادی با همدیگر دارد در حالی که گاز دریافتی از لوله در تمام طول سال قیمت یکسانی دارد. پاکستان اخیراً به صراحت گفته است اگر گاز به قیمت مورد دلخواه خود از تاپی دریافت نکند حاضر به هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری بر روی این پروژه نخواهد شد؛ ترکمنستان هم به نوبه خود می‌گوید هر گونه کاهش در قیمت از قبل توافق شده؛ مانع از انتفاع این کشور به‌عنوان صادرکننده گاز در این معامله خواهد شد، ذخائر ۱۶ تریلیون مترمکعبی میدان گازی دولت‌آباد (گالکینیش) در نزدیکی شهر مرو پشتوانه صدور گاز از خط لوله تاپی است.

برخی واقعیات فنی و میدانی حاکی از افت قابل توجه توان ترکمنستان در تولید گاز است مثلاً گفته می‌شود ترکمنستان قادر به پایبندی به تعهدات فروش گاز خود به چین یعنی سالانه ۶۵ میلیارد متر مکعب نمی‌باشد. براین اساس مشکلات واقعی فراروی ترکمنستان برای انتقال گاز از مسیر تاپی نهایتاً این کشور را وادار ساخت تا علی‌رغم میل خود بار دیگر فروش گاز به روسیه را از سر بگیرد. شایان ذکر است ترکمنستان پس از ۳ سال قطع صادرات گاز به روسیه (به خاطر اختلاف با این کشور بر سر نرخ گاز)، از سال ۲۰۱۹ صادرات گاز به روسیه را از سر گرفته است. چگونگی تامین مالی ۸۵٪ هزینه احداث لوله در افغانستان و پاکستان از جانب ترکمنستان از دیگر مشکلات بزرگ فراروی پیشرفت پروژه تاپی است، روس‌ها گفتگو با پاکستان برای احداث خط لوله به طول ۱۱۲۲ کیلومتر با قطر ۴۲ اینچ جهت انتقال گاز ال ان جی از پایانه‌های گازی در کراچی به سمت لاهور را شروع کرده‌اند (Lee, 2023: 100). اگر این خط لوله احداث بشود نیازمندی قابل توجه پاکستان به گاز برطرف خواهد شد. گفته می‌شود با احداث خط لوله یاد شده سالانه به اندازه دوازده ممیز چهاردهم، میلیارد متر مکعب گاز از طریق این لوله منتقل خواهد شد که طبیعتاً در صورت تحقق این امر نیاز قابل توجه پاکستان به گاز برآورده خواهد شد و احداث خط لوله یاد شده سبب کاهش انگیزه پاکستان نسبت به خط لوله تاپی خواهد شد.

**نامنی‌های داخلی افغانستان.** در مسیر تحقق و به سرانجام رسیدن پروژه تاپی، کشور افغانستان همواره نقش مهم و حائز اهمیتی دارد؛ چراکه کشوری با ده‌ها سال منطقه‌ای درگیر جنگ یا مشکلات داخلی متعدد به شمار رفته است. افغانستان به دلیل ناآرامی‌های داخلی هرگز به‌عنوان یک دولت قدرتمند، قوی و متمرکز تکامل نیافته است. جنگ قدرت داخلی در میان گروه‌های زبانی و قومی افغانستان، نهادهایی از این گروه‌ها را آن هم به طریقه نظامی‌سازی و خشونت ایجاد کرده بودند که همگی ناتوان از اتحاد در برابر نیروهای

خارجی بوده و نهایتاً نتوانستند به یک نظام سیاسی ساختاریافته دست یابند. اکنون، پویایی داخلی تغییر کرده و بیشتر قدرت در اختیار طالبان متمرکز شده است. به هر روی باید گفت جغرافیای سیاسی پیچیده، کشور افغانستان را به یک مرکز ترانزیتی برای «انرژی و تجارت جنوب و شرق آسیا» تبدیل کرده و پروژه تاپی یکی از نمونه‌هایی است که افغانستان را مرکز و قطب ترانزیت انرژی ساخته است. اما همواره نگرانی‌هایی پیرامون تهدیدهای طالبان وجود داشته است؛ چراکه گروه‌های قومی و طالبان بر مسیر خط لوله مسلط بودند (Saira & Javed, 2022: 295).

به عبارتی تا پیش‌ازین، چالشی که وجود داشت، مسئله مرتبط با امنیت بود؛ زیرا مسیر خط لوله پیشنهادی از مناطقی در افغانستان می‌گذرد که طالبان در آن نفوذ قوی و قدرتمندی داشتند. چنانچه پیش‌تر و به دنبال خروج نیروهای ناتو از برخی از مناطق افغانستان، طالبان کنترل خود را در هلمند و قندهار که نگرانی اصلی امنیتی برای امنیت بود، بازپس گرفتند. این بی‌ثباتی افغانستان تهدیدی برای کشورهای همسایه نیز محسوب می‌شد، زیرا برخی از حملات تروریستی در مرز نفوذپذیر و متشنج ترکمنستان و افغانستان گزارش گردید که باعث ایجاد تردید در مورد امنیت خط لوله گاز می‌شد. از دیگر سو در مرز جنوبی آن با پاکستان، القاعده، شبکه حقانی، تهدید طالبان یک مسئله امنیتی برای هر دو کشور بوده است (Dorsey, 2023: 296).

همان‌گونه که مطرح شد، ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان تا کنون مانع اصلی در جلوگیری از ساخت این خط لوله بوده است؛ با وجود این، رهبران کنونی افغانستان (طالبان) پیش‌تر به ترکمنستان اطمینان داده‌اند که امنیت کافی را برای این پروژه فراهم خواهند کرد. بر اساس طرحی که بلال کریمی سخنگوی طالبان در ژانویه ۲۰۲۲ اعلام کرد، افغانستان یک یگان امنیتی ۳۰۰۰۰ نفری را برای امنیت پروژه تاپی مستقر و آن‌ها امنیت را در طول مسیر پروژه در تمام نقاط از ولایاتی که خط لوله در آن ساخته می‌شود، تأمین خواهند کرد. همچنین متعاقباً (در اکتبر ۲۰۲۳) افغانستان تحت حاکمیت طالبان آمادگی این کشور را برای تأمین مالی ساخت خط لوله گاز تاپی در قلمرو خود اعلام کرده است. چنانچه امارت اسلامی اعلام کرد که آماده پرداخت هزینه پروژه تاپی مربوط به افغانستان است. در همین راستا طرف افغان همچنین تصمیم گرفته است تا زمین‌هایی را به‌منظور بهره‌برداری در مسیر طرح ساخت خط لوله گاز تاپی خریداری کند. همایون افغان سخنگوی وزارت معادن و پترولیوم، گفت که اکنون امنیت در کشور تضمین شده است و امارت

اسلامی نیز تملک و کسب زمین برای پروژه تاپی را حل کرده است. شاید آن‌ها به این درک رسیده‌اند که پروژه خط لوله گاز تاپی که از ولایات هرات، فراه، نیمروز، هلمند و قندهار افغانستان می‌گذرد، متضمن ایجاد هزاران شغل جدید بوده و عواید حاصل از ترانزیت گاز طبیعی به پاکستان و هند را برای افغانستان فراهم می‌کند، همچنین در ماه ژوئن/جون ۲۰۲۳ و طی تحولی قابل توجه، ملا عبدالغنی برادر معاون دوم نخست‌وزیر هیئت حاکمه افغانستان اعلام کرد که این مجموعه با آغاز پروژه خط لوله گاز تاپی از طریق افغانستان موافقت کرده است.

به باور برخی ناظران، این رویکرد - یعنی دادن چراغ‌سبز برای پیشبرد پروژه خط لوله تاپی - زمینه‌ساز فرصت‌های جدیدی در آینده خواهد بود. در این راستا، ملا برادر طی دیدار با محمد میرات امانف مدیرعامل شرکت پیمانکاری پروژه خط لوله تاپی و خواجه اویزوف لقمان سفیر ترکمنستان در افغانستان، آمادگی افغانستان برای آغاز پروژه تاپی و تعهد خود برای همکاری در این زمینه را ابراز کرده است. همچنین در این راستا وزارت معادن و پترولیوم آغاز ساخت خط لوله تاپی را تأیید کرده است. علاوه بر این، یک تیم فنی از ترکمنستان در مورد جنبه‌های مختلف پروژه از جمله توزیع گاز به صنایع و ساکنان و همچنین تولید برق از خط لوله بحث کرده است (TAMER, 2023:5). با این وجود، همان طور که پیش‌تر ذکر شد، علی‌رغم تلاش‌های طالبان برای تامین امنیت محیط محلی و ارتقای پروژه‌های زیربنایی از زمان به قدرت رسیدن در اوت ۲۰۲۱، مهمترین چالش همچنان نگرانی‌های امنیتی فراگیر در افغانستان و همچنین اختلافات داخلی در میان طالبان است.

### نتیجه‌گیری

ابتکار احداث خط لوله گاز ترانس‌افغانستان که در میانه دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و بعدها با عنوان پروژه تاپی شناخته شد، از همان آغاز پروژه‌های بلندپروازانه به شمار می‌رفت. براساس وعده طراحان این خط لوله، تحقق این طرح نه تنها برای مصرف‌کنندگان مستقیم گاز و کشور تأمین‌کننده آن سودمند بود، بلکه برای افغانستان نیز که همواره از کمبود منابع درآمدی پایدار رنج می‌برد، فرصتی کم‌نظیر برای بهره‌برداری از ظرفیت ترانزیتی‌اش فراهم می‌کرد. این پروژه که پس از سال ۲۰۲۱ مجدداً در دستور کار قرار گرفت، در افق بلندمدت به دنبال آن است تا علاوه بر فراهم‌آوردن درآمدهای ترانزیتی برای افغانستان، وضعیت

اجتماعی و اقتصادی کشور را از طریق ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای هزاران شهروند افغان و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز بهبود بخشد. با این حال، و در مقام پاسخ به پرسش این مقاله در شرایط کنونی باید اذعان داشت که چشم‌انداز اجرایی‌شدن خط لوله گاز تاپی همچنان تیره و نامشخص است. روشن است که پیشبرد این پروژه به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است و مسئله تأمین امنیت در بخش افغانستانی این خط لوله تنها یکی از موانع مهم در این مسیر است. از یک سو، احتمال بروز مشکلات در تأمین مالی پروژه وجود دارد، به‌ویژه اگر سرمایه‌گذاران قابل‌اتکا و آماده پذیرش مخاطرات مرتبط با آن یافت نشوند. از سوی دیگر، رقابت‌های سیاسی و اقتصادی میان کشورهای منطقه نیز ممکن است روند اجرا و اثربخشی این طرح را با چالش مواجه کند.

با این همه، در صورتی که روند طولانی‌مدت درگیری‌های مسلحانه که برای چند دهه افغانستان را به ورطه بی‌ثباتی و رکود فروبرده بود، متوقف شود، اجرای پروژه‌های ترانزیتی و انرژی محور از جمله تاپی و دیگر طرح‌های در حال توسعه می‌تواند زمینه‌ساز احیای اقتصادی پس از منازعه در این کشور شود. افزون بر آن، افغانستان در صورت موفقیت این طرح‌ها می‌تواند نقشی فعال در فرایندهای همگرایی منطقه‌ای ایفا کرده و از حاشیه‌نشینی ژئوپلیتیکی خارج شود؛ بنابراین خط لوله تاپی تجلی تعامل ظریف فرصت‌های اقتصادی و چالش‌های ژئوپلیتیک است. در حالی که وعده تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و رشد اقتصادی افغانستان را می‌دهد، نمی‌توان خطرات مرتبط با امنیت، رقابت‌های منطقه‌ای و نفوذهای خارجی را نادیده گرفت. موفقیت پروژه تاپی به توانایی کشورهای درگیر در رفع این پیچیدگی‌ها و همکاری برای دستیابی به منافع متقابل بستگی دارد که در نهایت نقش آن را به‌عنوان محرک ثبات یا نقطه اشتعال درگیری در منطقه تعیین خواهد کرد. علاوه بر این، پتانسیل پروژه برای ایجاد رشد اقتصادی از طریق اشتغال‌زایی، توسعه زیرساخت‌ها و دسترسی به انرژی می‌تواند برای افغانستان و همسایگان آن تحول‌آفرین باشد. با این حال، تنش‌های حل‌نشده بین کشورهایمانند هند و پاکستان، همراه با نگرانی‌های امنیتی داخلی افغانستان، این مزایا را تهدید می‌کند. ذی‌نفعان خارجی از جمله ایالات متحده، روسیه و چین نیز نقش‌های حیاتی در شکل‌دهی به مسیر پروژه ایفا می‌کنند و تاپی را از منظر منافع استراتژیک گسترده‌تر خود می‌بینند. از این‌رو تلاش‌های دیپلماتیک مستمر، ترتیبات امنیتی قوی و اهداف اقتصادی مشترک تضمین خواهد کرد که خط لوله تاپی به‌جای منبع اختلاف بیشتر منطقه‌ای به‌عنوان پلی برای همکاری عمل کند.

## منابع و مآخذ

### فارسی

- امیری، مهدی و فلاحی، احسان (۱۴۰۱)، ژئوپلنومی روابط ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان. **دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، ۱۵ (۲): ۷۳-۱۰۱.
- بهبودی‌نژاد، قدرت‌الله (۱۴۰۰) سیاست خطوط لوله در آسیای مرکزی؛ منافع و انتخاب‌های ایران، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ۲۷ (۱۱۵): ۳-۳۸.
- کالچی، ولی (۱۴۰۳)، آغاز ساخت فاز اول خط لوله گاز تاپی: ضرورت تغییر نگرش‌ها و پرهیز از رویکردهای تقابلی در ایران. **موسسه مطالعات ایران و اوراسیا**. قابل دسترسی در: <https://www.iras.ir>
- محسنی فرد، حسن (۱۳۹۶)، ابعاد استراتژیک خط لوله تاپی. **شورای راهبردی روابط خارجی**، قابل دسترسی در: <https://www.scfr.ir/fa/100/12603>
- یگانه صالحی، مهرداد و رئیسی‌نژاد، آرش (۱۴۰۲)، اتحاد آنکارا-باکو در جنگ دوم قره باغ و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران. **فصلنامه سیاست خارجی**، ۳۷ (۲): ۸۱-۱۰۸.

### لاتین

- Bazarov, A. (2022). "Turkmenistan's Neutrality and Its Implications for Regional Security". **Central Asian Affairs**. 27 (1): 122 – 137.
- Bhat, C. (2020) "Geopolitical Challenges of the TAPI Pipeline", **Journal of South Asian Studies**, 35(2): 120-137.
- Bhatia, R. (2018) "Economic Growth and Regional Stability through TAPI", **International Journal of Central Asian Studies**. 45 (3): 54-78.
- Burna-Asefi, Sophia Nina (2022), "India's Plan to Realize TAPI", **Diplomat**, Available at: <https://thediplomat.com/2022/04/indias-plan-to-realize-tapi/>.
- Dorsey, James M. (2023), "The Geopolitical Stakes of the TAPI Pipeline", **Middle East Policy Council**, July, Available at: <https://www.mepc.org/james-m-dorsey-geopolitical-stakes-tapi-pipeline>.
- Durrani, Asma Khan, (2023), "TAPI Pipeline – A Catalyst for Regional Progress", **Stratheia**, Available at: <https://stratheia.com/tapi-pipeline-a-catalyst-for-regional-progress/>
- Global Energy Review (2023), "TAPI Pipeline: Strategic Importance and Regional Implications", Available at: <https://www.globalenergyreview.com/tapi-strategic-importance>.
- Haider, Syed Fazl (2023), "Revival of TAPI Pipeline Project Brings Serious Geopolitical Implications for Russia", **Eurasia Daily Monitor**, 20 (91).
- Wani, Zahoor Ahmad (2022). Geopolitical Dynamics in the Afghanistan–India–Pakistan Triangle. **India Quarterly: A Journal of International Affairs**. 78 (4): 617-633.
- Johnson, David (2024), "Security Challenges Facing the TAPI Pipeline," **International Security Journal**, 60 (1): 23- 45.
- Kumar, Ankit (2023), "India-Pakistan Relations and the TAPI Pipeline," **South Asian Geopolitics Review**, 12 (3): 78- 92.

- Lotus Arise (2023) TAPI Gas Pipeline (Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India), January 22, 2023, Available at: <https://lotusarise.com/tapi-gas-pipeline-upsc/>
- Lee, Robert (2023), "Global Power Dynamics and the Future of the TAPI Pipeline," **World Politics Review**, 52 (3): 88-102.
- Mumtaz, Tahira, Tayyba Azha, Humaira Batool (2024), "Pakistan - Turkmenistan Relations: A Case Study of (TAPI) Gas Pipeline Project". **International journal social science bulletin**, 2 (4): 2486-2498.
- Popal, Ahmad Shekib, Gurudutta, Japee, Akmenli Hommodova (2024), "Afghanistan-Turkmenistan and India Infrastructure Projects and Cross-Border Economic Relations". **GAP Interdisciplinarity**, 7(4): 11-15.
- Rahmanov, A. (2022). "Turkmenistan's Neutral Foreign Policy: Peace, Security and Sustainable Development". **Perceptions: Journal of Interstate Affairs**, 27 (1): 122-137.
- Rahmany, Aabid Rahman (2024), "The Geopolitical Implications of the TAPI Pipeline for Regional Stability in Afghanistan". **International Journal for Multidisciplinary Research**, 6 (6): 1-14.
- Saira, Bibi & Javed, Aisha (2022), "Turkmenistan Afghanistan Pakistan India Gas Pipeline and Foreign Policy of Pakistan", **Journal of Development and Social Sciences**, 3 (4): 290-298.
- Tamer, Cenk (2023), "TAPI Project and Regional Power Struggle", **Ankara Center for Crisis and Policy Studies (ANKASAM)**, Available at: <https://www.ankasam.org/tapi-project-and-regional-power-struggle/?lang=en>
- TOLOnews (2024), "General Information about the TAPI Project. n.d". Accessed September 12. Available at: <https://tolonews.com>
- Turgunbaeva, A. & Ghiasi, F. (2025), "The Taliban's Diplomatic and Economic Expansion in Central Asia", **The Central Asia-Caucasus Analyst**, Available at: <https://www.cacianalyst.org/>
- Yildirim, Alper (2023), "The Idea of Transmitting Central Asian Energy through Afghanistan: TAPI Natural Gas Pipeline Project", **Eskişehir Osmangazi University Journal of Social Sciences Temmuz 2023(2)**: 362-380.